

دولت شکست خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۹
تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

محمدجواد سلطانی گیشینی*
سعید وثوقی**
شهرزاد ابراهیمی***

چکیده

هر ساختار سیاسی از جمله دولت‌ها کارویژه‌هایی دارند. وظیفه دولت‌ها ارائه کالاهای سیاسی مانند امنیت، امکانات اقتصادی، نظم قانونی و زیرساخت‌ها است. زمانی که دولت این کارویژه‌ها را نتواند ارائه کند، یک دولت شکست خورده است. این پدیده از جمله ویژگی‌های برخی کشورهای خاورمیانه است. این دولت‌ها مؤلفه‌هایی از قبیل مداخله نظامی بیگانه، انتقال قدرت سخت و خشن، بحران مشروعیت، ناکارآمدی نظام قضایی و اقتصادی و گسترش تروریسم دارند. جنگ‌های جدید با بازیگری داعش در این منطقه، یکی از پیامدهای دولت‌های شکست خورده در این منطقه است. هدف این مقاله، بررسی تأثیر دولت شکست خورده بر بروز جنگ‌های جدید در خاورمیانه است. سؤال اصلی پژوهش این است که دولت شکست خورده چگونه سبب گسترش جنگ‌های جدید در خاورمیانه شده است؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه را بررسی می‌کند که وجود دولت‌های شکست خورده متعدد در یک منطقه، با توجه به ویژگی‌های مشترکی که دارند، سبب ایجاد جنگ‌های جدید می‌شود و خاورمیانه را تبدیل به منطقه شکست خورده می‌کند. در نتیجه، جنگ‌های جدید از یک کشور به کشورهای دیگر در منطقه سرایت می‌کند. بنابراین تداوم دولت‌های شکست خورده برابر با تداوم و گسترش فزاینده خشونت در این منطقه در قالب جنگ‌های جدید است.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، دولت شکست خورده، منطقه شکست خورده، جنگ‌های

جدید، بازیگر جدید، داعش.

* دانشجوی دکتری
روابط بین‌الملل،
گروه روابط بین‌الملل،
دانشکده علوم اداری
و اقتصاد، دانشگاه
اصفهان، اصفهان.
Soltanikerman6
@gmail.com

** دکتری روابط
بین‌الملل، استادیار،
گروه روابط بین
الملل، دانشکده
علوم اداری و اقتصاد،
دانشگاه اصفهان،
اصفهان.
(نویسنده مسئول).

S.vosoughi
@ase.ui.ac.ir

*** دکتری
روابط بین‌الملل،
دانشیار، گروه روابط
بین‌الملل، دانشکده
علوم اداری و اقتصاد،
دانشگاه اصفهان،
اصفهان.

sh.ebrahimi
@ase.ui.ac.ir

مقدمه

وجود دولت‌های شکست‌خورده در برخی کشورهای خاورمیانه، زمینه بروز بحران‌های متعددی همچون جنگ، گسترش تروریسم، انتقال قدرت به شیوه سخت و مداخله خارجی را فراهم کرده است. ناتوانی در کنترل مرزهای ملی و اشتراک در مشکلات، مانند تنش‌های قومی-مذهبی و اختلافات مرزی، زمینه گسترش خشونت به دیگر کشورهای منطقه را مهیا کرده است. داعش، بازیگر جنگ‌های جدید، حاصل وجود دولت شکست‌خورده در این منطقه است. وجود دولت شکست‌خورده در دو کشور عراق و سوریه سبب شد تا این گروه در قالب جنگ‌های جدید، از عراق به سوریه نیز گسترش پیدا کند و احتمال گسترش آن به سایر کشورهای منطقه نیز وجود داشته باشد. با توجه به این‌که دولت شکست‌خورده هنوز در این منطقه وجود دارد، امکان گسترش و فعالیت گروه‌هایی از نوع داعش به شیوه جنگ‌های جدید وجود دارد.

جنگ‌های جدید که داعش بازیگر عمده آن در خاورمیانه است، ویژگی‌هایی همچون ارتش چندملیتی، اشباع رسانه‌ای، ایدئولوژی متکی به مذهب یا قومیت، حمایت خارجی و غارت منابع طبیعی دارد. با این مقدمه اجمالی، نویسندگان مقاله درصدد ارائه پاسخی به این سؤال هستند که دولت شکست‌خورده چگونه سبب گسترش جنگ‌های جدید در خاورمیانه شده است؟ نویسندگان با مبنا قرار دادن نظریه دولت شکست‌خورده درصدد بررسی تأثیر این نوع دولت بر گسترش جنگ‌های جدید در این منطقه برآمده‌اند. از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است، عبارت‌اند از:

- برژینسکی در کتابی با عنوان «انتخاب: رهبری یا سلطه جهانی»، به نقش جنگ‌های جدید متأثر از دولت و مذهب در خاورمیانه می‌پردازد. وی معتقد است دولت در این مناطق از حل چالش‌های مذهبی و قومی ناتوان است. در خاورمیانه نیروهای بومی معارضی وجود دارند که برای مبارزه با دولت مرکزی قادر به استفاده از خشونت هستند. از آن‌جاکه برخی دولت‌های منطقه توان مقابله با این گروه‌ها را ندارند، زمینه بروز جنگ توسط این گروه‌ها آماده است (برژینسکی، ۱۳۸۴: ۵۲). آنچه که برژینسکی بیان می‌کند، ارائه راه‌کارهایی برای دولت‌مردان ایالات متحده آمریکا در راستای تقابل با تروریسم است.

- چامسکی در کتاب «دولت‌های فرومانده: سوء استفاده از قدرت و یورش به دموکراسی» به موضوع دولت‌های شکست‌خورده پرداخته است. از نظر وی، دولت‌های شکست‌خورده شامل یک طیف می‌شود که در یک سر آن برخی دولت‌ها مانند افغانستان و سومالی در داخل مرزهای خود در تأمین امنیت، وضعیت سیاسی و اقتصادی و عدم خشونت ناکام

هستند. در سر دیگر آن، دولت‌هایی هستند که در عرصه جهانی اهدافی را مطرح کرده که به آن‌ها دست پیدا نکرده‌اند. از نظر چامسکی، ایالات متحده با توجه به این که به اهداف خود (دموکراسی‌سازی، مبارزه با تروریسم) دست نیافته، بزرگترین دولت شکست‌خورده جهان است (چامسکی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۴).

- رابرت جکسون در کتابی با عنوان «شبه‌دولت‌ها: حاکمیت، روابط بین‌الملل و جهان سوم» معتقد است چیزی که در جوامع جهان سوم وجود دارد، شبه‌دولت‌هایی^۱ هستند که فقط در اسم، دولت‌اند. این دولت‌ها از تأمین حقوق بشر، مزایای اجتماعی و رفاه اقتصادی ناتوان هستند. از نظر جکسون، این دولت‌ها ناکارآمد، نامشروع و از نظر داخلی بی‌ثبات هستند که امکان گسترش خشونت و تروریسم را فراهم می‌کنند و مداخله خارجی نیز وضعیت‌شان را بدتر می‌کند (Jackson, 1990:27). در واقع شبه‌دولت‌هایی که جکسون ترسیم می‌کند، همان دولت‌های شکست‌خورده هستند. سودان و نیجریه دو نمونه از این دولت‌ها هستند.

- سید رضا موسوی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه و چالش دولت‌های ورشکسته از دیدگاه امنیت بین‌الملل» معتقد است تا زمانی که دولت‌های ورشکسته در این منطقه در رقابت‌های دوقطبی جنگ سرد در درون بلوک شرق و غرب بودند، چالش‌های آن‌ها اغلب در درون مرزهای خودشان بود. اما پس از جنگ سرد، چالش‌های دولت‌های ورشکسته، به ویژه با خطر تروریسم و گسترش آن به فراتر از مرزهای آن‌ها مواجه بوده و امنیت بین‌الملل را تهدید می‌کند (موسوی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۳).

- ماری کالدور^۲ در کتابی با عنوان «جنگ‌های جدید و قدیم» معتقد است دامنه فعالیت بازیگران جنگ‌های جدید که گروه‌های تروریستی هستند، محدود به مرزهای یک دولت نمی‌شود. این بازیگران ویژگی‌هایی از جمله داشتن ارتش چندملیتی، ایدئولوژی مذهبی یا قومی، وابسته بودن به غارت منابع، حمایت خارجی و اشباع رسانه‌ای دارند. با توجه به ناکامی دولت‌ها در برآوردن مطالبات در دوران جدید، این گروه‌ها با جذب مردمان مختلف از چند کشور می‌توانند چندین دولت را درگیر فعالیت‌های خود کنند و علیه دولت وارد جنگ شوند (Kaldor, 1999:20-25). از این رو، جنگ بین دو یا چند دولت نیست، بلکه بین یک یا چند دولت با یک یا چند بازیگر غیردولتی است.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع مکتوب و مجازی، درصدد تبیین این موضوع است که دولت شکست‌خورده چگونه سبب گسترش جنگ‌های جدید در خاورمیانه شده است؟ پس از بیان چارچوب نظری، وضعیت منطقه به لحاظ جنگ‌های جدید

1 quasi-states
2 Marry Kaldor

بررسی می‌شود و سپس به مؤلفه‌های دولت شکست‌خورده در خاورمیانه اشاره می‌شود.

۱. چارچوب نظری: نظریه دولت شکست‌خورده

از نظر بین‌المللی، دولت‌های رها شده از استعمار مانند سایر دولت‌های مستقل دارای همان حقوق خارجی و مسئولیت‌ها هستند و در واقع یک دولت مستقل قانونی تلقی می‌شوند. اما بسیاری از این دولت‌ها از نظر داخلی توانمند و صاحب اقتدار برتر نیستند و به همین دلیل فاقد ویژگی‌های نهادی سایر دولت‌های مستقل هستند. این دولت‌ها تجربه دولت‌مداری مستقل محدودی دارند. جمعیت آن‌ها از بسیاری از مزایای مرتبط با یک دولت مستقل محروم است. این دولت‌ها نسبت به مطالبات سیاسی، اقتدار نهادی و قدرت سازمان‌دهی شده برای حفاظت از حقوق بشر یا تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی اغلب ناکارآمد هستند. مزایای واقعی‌ای که از نظر تاریخی مسئولیت‌های غیرقابل انکار یک دولت مستقل را توجیه می‌کند، در دولت‌های شکست‌خورده به طبقه نخبگان نسبتاً کوچکی محدود شده و به کل شهروندان این دولت‌ها نرسیده است. این دولت‌ها صرفاً در عرصه بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، اما از یک دولت کامل به دور هستند (Jackson, 1990:21). از این روست که رابرت جکسون به آن‌ها شبه‌دولت نیز می‌گوید.

نظریه دولت شکست‌خورده معتقد است هنگامی که شبکه‌های قدرت یک دولت دچار سقوط بزرگ، پایدار و مکرر می‌شود، به طوری که حکومت‌های آن کشور دیگر نمی‌توانند قدرت واقعی را به صورت یکپارچه طراحی و اعمال کنند، دولت شکست‌خورده شکل می‌گیرد (کازمی، ۱۳۹۵:۳). در چارچوب این نظریه، سه مدل دولت شکست‌خورده وجود دارد:

۱. دولت کنترل بر حفظ نظم و اجرای قانون در میان شهروندان و جنگ را از دست می‌دهد. این دولت قادر نیست قلمرو خود را از تهدیدات و تجاوز خارجی (دولت‌های دیگر، تروریست‌های خارجی و قاچاق مواد مخدر) مصون نگه دارد. این وضعیت نشان‌دهنده نبود اقتدار برتر است. در این شرایط، ارائه کالاهای عمومی توسط بازیگران غیردولتی و خرده‌گروه‌ها صورت می‌گیرد (Menkhaus, 2003:4). سوماتی یک نمونه از این دولت است.

۲. در نوع دوم، دولت کنترل بر نظم داخلی را از دست می‌دهد، اما توانایی مدیریت کردن جنگ با تهدیدات خارج از سرزمین را دارد. این یک مدل نایاب دولت شکست‌خورده است. دولت در این مدل با بحران مشروعیت داخلی مواجه است. کشورهای اروپای شرقی در آستانه فروپاشی شوروی در این مدل جا داشتند.

۳. نوع سوم دولتی است که کنترل ظرفیت راه‌اندازی جنگ در خارج را از دست می‌دهد،

در حالی که در داخل این ظرفیت را از طریق نظامی‌گری دارد و به صورت انحصارطلبی‌های تبعیض‌آمیز رفتار می‌کند. این نوع دولت شکست‌خورده دارای خود را به طور مساوی در قلمرو خود گسترش نمی‌دهد (Gennaln Gros, 2012: 3).

در چارچوب نظریه دولت شکست‌خورده:

۱. دولت شکست‌خورده قدرت نظامی را در انحصار خود ندارد. این مؤلفه یک مزیت مهم برای گروه‌های مسلح تروریستی است تا توان اعمال قدرت نظامی را در درون جامعه و تسری آن به کشورها دیگر را به دست گیرند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۱). لیبریا یک نمونه دیگر چنین وضعیتی است.

۲. دولت‌های شکست‌خورده به دلیل شرایطی که دارند، تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای بحران‌زایی به ویژه در ارتباط با همسایگان خود دارند. رابرت جکسون معتقد است این دولت‌ها قادر به حل بحران‌های ناشی از وضعیت خود نیستند و از این رو، فرآیند وابستگی آن‌ها به قدرت برتر تداوم می‌یابد و تبدیل به مدل منازعه می‌شوند (Jackson, 1990:177).

۳. این دولت‌ها در روند بی‌تفاوتی نسبت به تعهدات خود در برابر مردم و دیگر بازیگران غیررسمی پای می‌گذارند و به گونه‌ای روزافزون، کارایی و قابلیت‌های خود را به عنوان مرجع تأمین ارزش‌های سیاسی (به‌ویژه امنیت به عنوان مهم‌ترین تعهد سیاسی) و مجری وظایف دولت-ملت در جهان مدرن از دست می‌دهند. در این شرایط، شهروندان به تدریج به خرده‌گروها به عنوان منبع انحصاری تأمین نیازهای اساسی خود به‌ویژه امنیت و فرصت‌های اقتصادی توجه می‌کنند و در پایان، وفاداری به این خرده‌گروه‌ها را جایگزین حمایت خود از دولت می‌کنند. بروز چنین شرایطی که از تحرک نیروهای اغتشاش‌آفرین، استیلای بازیگران فرودولتی، آزادسازی نوعی انرژی سیاه در عرصه وحدت‌آفرینی ملی حکایت دارد، زمینه‌های مناسبی را برای پیدایی شبکه‌های تروریستی فراهم خواهد آورد (Rotberg, 2003:5).

۴. دولت‌های شکست‌خورده یک جامعه مدنی شکننده و ساختارهای نهادی توسعه نیافته‌ای دارند. این وضعیت زمینه‌های مهار یا کنترل تنش‌های سیاسی در این جوامع را به‌شدت تحلیل می‌برد. هوارد معتقد است این سطح از ناتوانی می‌تواند زمینه‌های سقوط قانون و نظم را در این دولت‌ها فراهم آورد و شرایط را برای بروز تجزیه‌طلبی و جنگ داخلی تمام‌عیار مهیا سازد (Howard, 2014:42-44).

۵. ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی مشروع، دیگر مؤلفه دولت‌های شکست‌خورده است. این دولت‌ها اغلب نظام‌های سیاسی اقتدارگرایی دارند که توسط یک دیکتاتور اداره

می‌شود. در این جوامع، نهادهای سیاسی حاصل سیاست‌های استعماری یا اعمال دیکتاتوری علیه ملت است. بنابراین بحران هویت ملی در این دولت‌ها برجسته است. اغلب این کشورها بر مبنای ناسیونالیسم تباری یعنی برتری یک قوم یا قبیله در ساختار سیاسی روبه‌رو هستند و ناسیونالیسم مدنی جایگاهی ندارد (Yoo, 2011:37). لیبی در دوران قذافی و پس از سرنگونی او، نمونه دیگر این دولت‌ها است.

۶. مؤلفه دیگر دولت شکست‌خورده، بی‌ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی تأمین رفاه اقتصادی است. بانک جهانی چنین دولت‌هایی را "کشورهای کم‌درآمد تحت فشار" می‌نامد. به سبب بدتر شدن فقر در این کشورها، بانک جهانی آن‌ها را در جایگاهی قرار می‌دهد که خطر شبکه‌های تروریستی، افزایش منازعات مسلحانه داخلی و شروع و گسترش یک بیماری واگیر در آن‌ها وجود دارد (کاظمی، ۱۳۹۵:۴).

از نظر جکسون، این دولت‌ها در چارچوب نظم آنارشیک دولت‌های باثبات قادر به فعالیت نیستند و وضعیت آنارشی را با توجه به شرایط خود بدتر می‌کنند و از این رو تهدیدی علیه همسایگان منطقه‌ای خود و نظام بین‌الملل هستند؛ زیرا این دولت‌ها قادر به کنترل خشونت نیستند و مغلوب گروه‌های تروریستی می‌شوند. این گروه‌ها به راحتی عرصه فعالیت‌های خود را از این کشورها به چند کشور دیگر در منطقه تسری می‌دهند. بنابراین، دولت‌های شکست‌خورده بهشت تروریست‌ها هستند. جکسون معتقد است جامعه بین‌المللی در چارچوب مداخله بشردوستانه معمولاً در این کشورها مداخله نظامی می‌کند که نتیجه آن بدتر شدن وضعیت شکست‌خوردگی است؛ زیرا دولت‌سازی یک فرایند داخلی است (Jackson, 1990:177-181). دولت شکست‌خورده توان شروع جنگ و کنترل آن را ندارد و چون کنترلی بر مرزهای خودش ندارد، زمینه سیالیت گروه‌های تروریستی را در درون مرزهای خود و در ورود به کشورهای دیگر تسهیل می‌کند. حال اگر دولت‌های همسایه نیز ساختاری شکست‌خورده داشته باشند، با توجه به این ویژگی‌های مشترک، زمینه نوع جدیدی از خشونت با عنوان جنگ‌های جدید را فراهم می‌کنند.

در واقع، این چارچوب نظری در پاسخ به این سؤال مقاله بود که دولت‌های شکست‌خورده چگونه سبب گسترش جنگ‌های جدید در خاورمیانه شده‌اند. تحول در فناوری و ظهور بازیگران جدید فقط ویژگی این جنگ‌ها را می‌تواند ترسیم کند و پاسخی به چرایی این جنگ‌ها نیست. اگر بپذیریم که تحول در فناوری و ظهور بازیگران جدید دلیل این جنگ‌ها نیست، این سؤال پیش می‌آید که چرا این جنگ‌ها در جوامع پیشرفته آغاز نشده‌اند؟ پاسخ در وجود

دولت شکست‌خورده است.

۲. بررسی مفهومی دولت شکست‌خورده و جنگ‌های جدید

پایان جنگ سرد آغاز اهمیت یافتن دولت‌های شکست‌خورده در روابط بین‌الملل است. اگر تا پیش از این، جنگ و صلح اغلب به روابط قدرت‌های برتر جهانی و منطقه‌ای محدود می‌شد، پس از جنگ سرد، چالش‌های دولت شکست‌خورده، این دولت‌ها را به بازیگرانی مطرح در تحولات بین‌المللی تبدیل کرد. دولت‌های شکست‌خورده به شدت درگیر، خطرناک و دارای رقابت خشونت‌آمیز گروه‌ها در داخل هستند. چنین دولت‌هایی نمی‌توانند حداقل شرایط مدنی مانند صلح، نظم و امنیت داخلی را تضمین کنند که این ناتوانی ناشی از ویژگی‌های این دولت‌هاست.

سه دیدگاه درباره تعریف دولت شکست‌خورده بین نظریه‌پردازان این حوزه مطرح است. گروه اول، شکست‌خوردگی این دولت‌ها را ناشی از وضعیت داخلی آن‌ها (عدم مشروعیت سیاسی، ناکارآمدی اقتصادی و فعالیت گروه‌های تروریستی) می‌دانند. اولسون مشکلات داخلی به ویژه در حوزه سیاست را شاخص اصلی برای تشخیص دولت شکست‌خورده می‌داند (Olson, 1993: 120). دیدگاه دوم، عوامل خارجی به ویژه جهانی شدن و تحولات فناورانه را عامل شکست‌خوردگی برخی دولت‌ها معرفی می‌کنند. روزنا و موسی نعیم^۳ معتقدند که ناتوانی این دولت‌ها در همسو شدن با مؤلفه‌های جهانی شدن، آن‌ها را شکست‌خورده می‌کند (Naeim, 2013: 3). روزنا معتقد است در وضعیت آشوب ناشی از جهانی شدن، برخی دولت‌ها قادر به انجام کارکردهای خود به‌درستی نیستند و با فروپاشی مواجه می‌شوند (روزنا، ۱۳۸۴: ۸۵). دیدگاه سوم، راه میانه را انتخاب کرده است. این دیدگاه معتقد است هم عوامل داخلی و هم خارجی در تشکیل چنین دولتی نقش دارند. تعریف انجمن سیاست جهانی شامل این دیدگاه است. دولت شکست‌خورده دولتی است که متأثر از عوامل داخلی یا عوامل خارجی قادر به انجام درست کارکردهای خود نیست و شهروندان چنین دولتی قربانی رقابت‌های خشونت‌آمیز خرده‌گروه‌ها می‌شوند. مداخله خارجی می‌تواند ثبات یک کشور را با ایجاد خلغ قدرت مرکزی و ایجاد جنگ‌های قومی و مذهبی و حمایت از گروه‌های شورشی نابود کرده و آن را تبدیل به دولت شکست‌خورده کند (GPF, 2015: 2).

رتبرگ^۴ تحت تأثیر تعریف انجمن سیاست جهانی، در این زمینه طیفی از دولت‌های قوی،

3 Moeises naeim

4 Rotberg

ضعیف و شکست‌خورده را ارائه می‌کند. وی در تعریف دولت شکست‌خورده معتقد است آن دولتی را شکست‌خورده می‌نامند که در کشورش خلأ کامل اقتدار وجود دارد (Rotberg, 2003: 5). افزایش در سطح خشونت‌های سیاسی و جنایی؛ فقدان کنترل بر مرزها؛ تنش‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی که گاه جنبه تجزیه‌طلبانه به خود می‌گیرند؛ ساختارهای ارتباطی و حمل و نقل ضعیف؛ اقتصاد ضعیف و وابسته به رانت منابع طبیعی و سطوح پایین تولید ناخالص داخلی و سطوح بالای فساد، نظام سلامت ضعیف و فرصت‌های آموزشی محدود، در درک مفهوم دولت شکست‌خورده مفید هستند. ویژگی‌های این دولت‌ها صرفاً به مسائل نظامی-امنیتی محدود نمی‌شود. یمن در غرب آسیا نمونه دیگر این دولت‌هاست.

مفهوم جنگ‌های جدید پس از دوران جنگ سرد مطرح شد. از نظر کالدور جنگ‌های جدید نوعی از خشونت هستند که در آن بازیگران غیردولتی از جمله گروه‌های تروریستی، در راستای منافع گروه خود با یک یا چند دولت وارد نبرد می‌شوند. برای کالدور حوادث بوسنی و هرزگوین یک مدل برای ارائه تئوری خود درباره جنگ‌های جدید بود (Duffield, 2001: 57)؛ در حالی که منظور از جنگ‌های قدیم جنگ بین دو بازیگر دولتی است.

کالیواس دیدگاه‌های وان کرولد^۵ و هالستی درباره جنگ‌های جدید را در مقاله خود مطرح کرده است. کرولد اصطلاح جنگ‌های خفیف را به جای جنگ‌های جدید مناسب می‌داند و به نوعی شدت، دامنه و عمق پیامدهای این جنگ‌ها را نسبت به نوع قدیم کم‌تر تصور می‌کند. هالستی نیز «جنگ مردمان» را واژه‌ای مناسب‌تر می‌داند که منظور وی همان جنگ داخلی است (Kalyvas, 2001: 99). در حالی که جنگ جدید لزوماً جنگ داخلی محصور در یک کشور توسط نیروهای داخلی آن کشور نیست. ضمن پذیرش این مفهوم، دولت شکست‌خورده در خاورمیانه سبب بروز این نوع خشونت شده است. وجود همین دولت شکست‌خورده در اغلب کشورهای این منطقه زمینه بالقوه گسترش جنگ‌های جدید را در کل منطقه فراهم می‌کند. وجود چنین دولت‌هایی در عراق و سوریه سبب شد این کشورها نیز درگیر این پدیده شوند.

۳. جنگ‌های جدید در خاورمیانه: بازیگری داعش

وجود ساختار دولت شکست‌خورده در خاورمیانه، زمینه گسترش فعالیت‌های تروریستی در این منطقه را تشدید کرده است. مداخله نظامی آمریکا به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد بر وخامت این وضعیت افزود. ساختار دولت شکست‌خورده زمینه مداخله خارجی و گسترش

فعالیت‌های تروریستی را چنان‌که در چارچوب نظری بحث شد، فراهم می‌کند. تحولات عربی ۲۰۱۰ و آشوب ناشی از آن‌ها که در واقع نتیجه دولت‌های شکست‌خورده منطقه و ناکامی آن‌ها بود، زمینه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی به ویژه داعش را برجسته کرد و این گروه به مهم‌ترین بازیگر غیردولتی در تحولات خاورمیانه تبدیل شد که هدف آن تشکیل یک حکومت تروریستی دیگر در منطقه بود (Gardner, 2015:6). از این رو، جنگ جدید در خاورمیانه، جنگ بین یک یا چند دولت با یک بازیگر غیردولتی است. این جنگ ویژگی‌های کاملاً متفاوتی از جنگ‌های متعارف یا بین‌دولتی دارد و از این رو جدید است.

مسئله داعش به عنوان بازیگر این جنگ را نمی‌توان یک پدیده خلق‌الساعه دانست. این پدیده اگرچه ظهور و بروز مدرن دارد، ریشه در اندیشه‌های سلفی قرن‌های قبل دارد و در یک سیر اندیشه‌ای مدام، به حالت کنونی خود رسیده است. اگرچه ریشه‌های تفکر سلفی را می‌توان تا دوران ابن تیمیه پی گرفت و او را به عنوان پدر سلفی‌گرایان مدرن نامید، اما وجود دولت‌های شکست‌خورده زمینه رشد گروه‌های حامی این تفکر و توسل به اقدامات تروریستی را فراهم کرد؛ زیرا این نوع تفکر با استفاده از خشونت برای کسب اهداف خود تبلیغ می‌کند (Cook, 2005:129).

اگرچه در شرایط ساختاری عراق عصر صدام این گروه‌ها فعالیت مخفی داشتند، اما با حمله آمریکا و سرنگونی صدام، تبدیل به نیرویی فعال در عرصه عراق پس از صدام شدند. در ۲۰۰۴، ابو مصعب زرقاوی القاعده عراق را تاسیس کرد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶، سخنگوی القاعده عراق، ایجاد دولت اسلامی عراق را اعلام کرد و ابو عمر تا مرگ خود در ۲۰۱۰ رهبر این گروه بود که جانشین اسمی آن ابوبکر بغدادی اعلام شد. در همین دوره، رسانه الفرقان ویدیوهای از اقدامات تروریستی این گروه برای تبلیغ آن تهیه می‌کرد. داعش خواهان تشکیل دولت اسلامی در عراق و گسترش آن به دیگر مناطق بود. در واقع دولت اسلامی عراق جانشین شورای مشورتی مجاهدین بود. در ۲۰۰۷ این گروه کابینه‌ای متشکل از وزیر دفاع، بغدادی رئیس کابینه و هفت وزیر دیگر معرفی کرد (Kirdar, 2011:5).

وجود دولت شکست‌خورده همراه با حمایت خارجی از داعش در سوریه نیز سبب شد این کشور درگیر تحولات عربی از ۲۰۱۱ به بعد شود و حیطة عملیاتی داعش به سوریه گسترش یافت. به تدریج رهبران این گروه، داعیه‌دار سلطه بر سرزمین‌های اسلامی حتی آندولس (اسپانیا) شدند (Patel, 2015:7). داعش با این ادعا خود را از بحرانی در داخل عراق به بحرانی منطقه‌ای تبدیل کرد که با توجه به وجود برخی دولت‌های ضعیف منطقه که ظرفیت شکست‌خوردگی را دارند، بیم آن می‌رفت که فعالیت‌های این گروه به آن کشورها نیز گسترش یابد.

عملکرد داعش که پیامد دولت شکست خورده است، مثالی برای جنگ‌های جدید است. در این جنگ‌ها، بازیگران غیردولتی به‌ویژه گروه‌های تروریستی عرصه نبرد را در دست دارند. ویژگی دیگر این فضا، اشباع رسانه‌ای است که این گروه‌ها از آن بهره می‌برند که در آن بخش بزرگی از جنگ در عرصه مجازی رخ می‌دهد. رسانه‌های مجازی حکم اکسیژن برای داعش را دارند (Chulov, 2014:2). کارکردهای رسانه برای داعش شامل کسب منابع، استخدام، تبلیغ ایدئولوژی، آموزش و فریب‌کاری می‌شد. مؤسسه رسانه‌ای الفرقان، بنیاد رسانه‌ای الاعتصام، مرکز رسانه‌ای الحیات و نشریه دابق در کنار فضای مجازی، بازوی رسانه‌ای داعش بودند. همین ویژگی بحران داعش را در سطح جهانی مطرح کرده است.

ویژگی دیگر این محیط جنگی جدید، به کارگیری ارتش چندملیتی است. تقریباً از همه قاره‌های دنیا و حدود هشتاد کشور در داعش نیروی نظامی حضور دارد. به منظور اجرای استراتژی جذب نیروهای ارتش چندملیتی، برنامه‌ها متناسب با مخاطبان طراحی می‌شود. جان هورگان^۲ روانشناس متخصص در روان‌شناسی تروریسم، معتقد است فرصت‌های موجود برای استخدام در سازمان‌های تروریستی در ارتباط با افراد جوان در طلیعه شبکه‌های مجازی اجتماعی جدید در تاریخ تروریسم بی‌نظیر است (petre, 2015:1).

در ارتباط با ارتش چندملیتی، بیش از ده هزار نیروی داعش از قاره آسیا به سرزمین‌های تحت تصرف این بازیگر گسیل شده‌اند. آفریقا حدود ۸ هزار نیروی داعشی را در این گروه از آن خود دارد. این میزان در اروپا بیش از ۵۵۰۰ نفر است. حدود ۱۷۰۰ نفر داعشی از آمریکای شمالی به عراق و سوریه مهاجرت کرده‌اند. در حالی که این میزان در اقیانوسیه حدود ۵۰۰ نفر است. عربستان رتبه اول ارسال تروریست به گروه داعش را در آسیا داشته است و سپس اردن و لبنان بالاترین میزان نفرت در داعش را داشتند. در قاره آفریقا، تونس جایگاه اول فرستنده تروریست به گروه داعش را داشت (Hoffman, 2015:9). این گروه حتی یک کتاب الکترونیک با عنوان «مهاجرت به دولت اسلامی» منتشر کرده بود تا راه‌های رسیدن به قلمرو خود را در آن شرح دهد (Lewis, 2014:10). همین ویژگی ارتش چندملیتی، عامل تمایز جنگ‌های جدید از تروریسم صرف است.

غارت منابع و کمک‌های خارجی نقش مهمی در تداوم فعالیت‌های این جنگ جدید داشته است. پنجاه میلیون دلار درآمد ماهیانه این گروه از فروش نفت به دست آورده می‌شد. در آوریل ۲۰۱۵ فروش نفت این گروه از خاک سوریه به ۴۶٫۷ میلیون دلار رسید. ۲۵۳ چاه

نفت در سوریه تا قبل از پیش روی‌های کنونی مقاومت و ارتش سوریه در کنترل این گروه بوده است. ۱۶۱ حلقه از این چاه‌ها عملیاتی هستند. ۲۷۵ مهندس و ۱,۱۰۷ کارگر اداره این حلقه‌های چاه را بر عهده داشتند (Price, 2015: 65-67). این غارت منابع به حوزه منابع مالی نیز کشیده شده بود. در ۲۰۱۴ داعش به بیش از نیم میلیارد دلار از دارایی‌های نقدی عراق در بانک‌های نینوا، الانبار، صلاح الدین و کرکوک دست پیدا کرده بود. کنترل بخش‌هایی از مرزهای عراق به دست این گروه، درآمد‌های پاسپورت و عبور و مرور را نیز نصیب این بازیگر کرد (Levallois, 2017: 25). گرایش به استقلال مالی هم از نظر داخلی و هم خارجی، توان پایداری این نوع جنگ‌ها را دو چندان می‌کند.

قچاق انسان و آدم ربایی برای باج‌گیری از کشورهای مختلف دنیا از دیگر منابع مالی داعش است. بر طبق گزارش سازمان ملل داعش در ۲۰۱۴ از طریق آدم ربایی ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار درآمد داشته است. نیروهای داعش از خانواده خبرنگار آمریکایی در بند خود ۱۰۰ میلیون یورو در قبال آزادی او طلب کردند. فرانسه ۱۸ میلیون دلار برای آزادی چهار تبعه خود در ۲۰۱۴ به داعش پرداخت (McInnis, 2016: 15).

حمایت کشورهای خارجی از داعش نیز در تداوم فعالیت‌های این گروه نقش برجسته‌ای داشته است. تجار قطری به نمایندگی از دولت این کشور، اقدام به اعطای کمک‌های مالی به داعش می‌کردند. از جمله این تجار می‌توان به «عبدالرحمن النعیمی» اشاره کرد که ماهانه ده‌ها میلیون دلار به تروریست‌های داعش در عراق کمک می‌کرد. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ داعش مبلغ ۴۰ میلیون دلار کمک از عربستان، قطر و کویت دریافت کرد (Pirog, 2015: 5-9). به عبارتی، حامیان داعش، منافع خود را در لوای اقدامات این گروه تروریستی دنبال می‌کردند. کشاندن این بحران به سوریه در راستای منافع غرب، رژیم صهیونیستی و هم پیمانان منطقه‌ای آن بود. از این رو، داعش مورد حمایت نظامی-مالی این کشورها بوده است.

گرایش به ایدئولوژی‌های معنویت‌گرایانه یکی از ویژگی‌های بازیگران جنگ‌های جدید و از جمله داعش است. گروه‌های تروریستی خاورمیانه مذهب و قومیت را مبنای جذب نیرو و مشروعیت جلوه دادن خود قرار داده‌اند. چه این‌که این گروه‌ها اغلب با دولت‌های منطقه نیز مشکل مذهبی و قومی-فرقه‌ای دارند. این نوع ایدئولوژی، پایداری این گروه‌ها را دو چندان می‌کند. افرادی مانند لاکوئر نیز معتقدند موج چهارم تروریسم موجی مذهبی است که داعش نماد بارز این موج است (Laqueur, 1999: 45). حتی نام‌های ارکان گوناگون این گروه آرمان ایدئولوژیکی که منادی آن است را نشان می‌دهد. داعش و دابق دو نمونه از این نام‌ها هستند که

اولی به خلافت اسلامی و دومی به سرزمینی که خیر و شر در آن جا علیه یکدیگر وارد جنگ می‌شوند و جریان آخرالزمان، اشاره دارد (verstraten, 2015:2). عنصر مذهب عامل تمایز دیگر این جنگ‌ها از اقدامات تروریستی است. زیرا در تروریسم لزوماً مذهب عامل محرک نیست و یک گروه تروریستی می‌تواند اهداف و ایدئولوژی‌های مختلفی را دنبال کند.

تأکید بر مفاهیمی چون جهاد، شهادت، ایثار، هجرت و نگرش آخرالزمانی حاکی از هدف مذهبی این گروه است. حضور تقدس‌گرایی مذهبی در تبلیغات این گروه در مقایسه با القاعده و جبهه النصره بیش از هشتاد درصد است. در حالی که سهم دو گروه دیگر به چهل درصد هم نمی‌رسد (Comford, 2015:19). بسیاری از مؤلفه‌هایی که داعش منادی آن‌هاست، در خاورمیانه وجود دارد، اگر چه برخی سعی در تبیین این نوع تروریسم در قالب جنگ‌های جدید فراتر از مولفه‌های خاورمیانه مانند جهانی شدن دارند. وجود دولت شکست‌خورده در این منطقه زمینه‌ساز هم رشد و هم تداوم و گسترش این نوع جنگ‌ها شده است. به نظر می‌رسد چشم‌انداز خاورمیانه پس از داعش با این جنگ‌ها قابل ترسیم باشد؛ زیرا دولت شکست‌خورده همچنان عامل پایداری در این منطقه است.

۴. دولت‌های شکست‌خورده در خاورمیانه

دولت‌های شکست‌خورده بستر ساز ناکارآمدی‌ها و ظهور پیامدهای ناگواری برای مردمان خود و منطقه جغرافیایی که در آن قرار دارند، هستند. شاخص‌هایی چون نبود امنیت، مداخله خارجی و گسترش تروریسم، عدم مشروعیت سیاسی و ناکارآمدی اقتصادی و قضایی، در این دولت‌ها به وفور دیده می‌شود. چنین شاخص‌هایی در برخی دولت‌های خاورمیانه که درگیر جنگ‌های جدید شده‌اند نیز وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱. نبود امنیت

ناتوانی در تأمین امنیت ویژگی دولت‌های شکست‌خورده است. در بررسی خاورمیانه بر اساس این شاخص، مشخص می‌شود که میزان ناامنی در این منطقه به ویژه از اوایل قرن ۲۱ افزایش یافته است. شاخص صلح جهانی^۷، در ۲۰۱۶ بر مبنای ۲۳ شاخص، از جمله وقوع جرایم خشن، ناکارآمدی اقتصادی و قضایی، عدم مشروعیت نظام حاکم، سطوح نظامی شدن کشورها و واردات تسلیحات، خاورمیانه را از نظر ناامنی در رتبه اول شاخص معرفی کرد. تنها در سوریه، در ۲۰۱۴ بیش از ۶۷ هزار نفر کشته شده‌اند. عراق نیز رتبه دوم را کسب کرده

است. بر مبنای اطلاعات آماری این شاخص، صلح در خاورمیانه در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. کشورهای خاورمیانه در بین ۱۶۳ کشور در این شاخص از نظر صلح وضعیت نامطلوبی دارند. سوریه، عراق و یمن سه جایگاه آخر را در جهان از آن خود کرده‌اند (Trt world, 2016:3). از شصت میلیون آواره در جهان از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، سه میلیون آن‌ها سوری هستند. این بی‌ثباتی در واقع ناشی از وجود ساختارهای دولتی شکست‌خورده است که به تدریج در یک کشور و سپس در کل منطقه ظاهر شده است. چنین شرایطی زمینه رشد گروه‌های تروریستی و مداخله‌ی خارجی را فراهم کرده است که امروز در شکل جنگ‌های جدید درک می‌شود (ARK Group, 2016:32).

۴-۲. ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی مشروع

دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه اغلب نظام‌های سیاسی اقتدارگرایی دارند که به شیوه دیکتاتوری اداره می‌شوند. در این جوامع نهادهای سیاسی حاصل سیاست‌های استعماری یا اعمال دیکتاتوری علیه ملت است که تداوم حکومت آن‌ها وابسته به حمایت خارجی است. بنابراین، این دولت‌ها با بحران هویت ملی مواجه‌اند. اغلب این کشورها بر مبنای ناسیونالیسم تباری، یعنی برتری یک قوم یا قبیله در ساختار سیاسی خود روبه‌رو هستند و ناسیونالیسم مدنی جایگاهی در اجتماع و سیاست ندارد (Nader, 2016:22).

بحران هویت ملی از آن رو در دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه وجود دارد که در یک دستگاه هویت‌های مختلفی به گونه‌ای مصنوعی رشد می‌کنند که زمینه شکل‌گیری درگیری‌های حزبی، قومی، مذهبی و منطقه‌ای می‌شود و گروه‌های دیگر دچار تبعیض هستند. بحران تجزیه‌طلبی بر مبنای مذهب یا قومیت یک نتیجه‌ی این پدیده است. کردها در چنین شرایطی هستند که می‌توانند دور جدیدی از خشونت‌ها را آغاز کنند و چند کشور را درگیر خود کنند (Rubin, 2016:21). طرح استقلال اقلیم کردستان و برگزاری referendum در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ که موجی از واکنش‌های شدید از سوی عراق، ترکیه و ایران را به دنبال داشت گویای چنین وضعیتی است. زیرا وقوع این تحول در عراق، ایران و ترکیه را نیز درگیر پیامدهای خود می‌کند.

در این دولت‌ها، جامعه مدنی و گروه‌های نفوذ حول ارزش‌های انتسابی مانند مذهب و قومیت شکل گرفته‌اند که فرد در انتخاب آن‌ها نقشی ندارد. در این کشورها، کثرت‌گرایی فرهنگی بر کثرت‌گرایی اجتماعی غلبه دارد که نتیجه آن شکاف‌های تعارض‌آمیزی است که مانع اصلاحات مسالمت‌آمیز می‌شوند. نخبگان فرهنگی حاکم هیچ‌گونه چالشی را با موقعیت

قدرت خود بر نمی‌تابند و از آن‌جاکه سیاست عمومی در جهت تأمین منافع قومیت یا قبیله خاصی است، نباید انتظار تحولات چندانی را داشت. اولویت داشتن ارزش‌های انتسابی انتقال نرم قدرت در این کشورها را ناممکن می‌کند. کردسمن در ارتباط با عراق و سوریه معتقد است وجود چنین دولت‌هایی بر مبنای شیعی‌گری-سنی‌گری و کاهش نقش قومیت‌های دیگر در عرصه سیاسی، زمینه را برای رشد مخالفینی که توسل به خشونت را تنها راه مقابله با رژیم می‌دانستند، فراهم کرده است (Cordesman, 2014: 37).

بر مبنای نبود دموکراسی در بین ۱۶۹ کشور در ۲۰۱۵، همه رژیم‌های حاکم خاورمیانه به جز ترکیه که در دسته رژیم‌های هیبریدی یا دورگه قرار دارد و ایران که نظام مردم‌سالاری با تکیه بر مذهب دارد، اقتدارگرا هستند (The Economist Report, 2015: 5-9). عراق و سوریه با تجربه طولانی ساختارهای دیکتاتوری ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر شاخص دموکراسی پایینی دارند. تجربه کودتاهای پی در پی در عراق تا قبل از روی کار آمدن صدام و استبداد مطلق او که حکومت را در دست اقلیت سنی با خشونت تمام نگه داشته بود و در عین حال به سرکوب شیعیان و کردهای خود می‌پرداخت، گویای این ناکارآمدی‌ها است. سوریه نیز با رهبری حافظ اسد و سپس بشار اسد همین وضعیت را دارد (موسوی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱). اگرچه حامیان خارجی جنگ‌های جدید از وضعیت سوریه سوء استفاده کردند تا با این حربه سوریه را از گروه محور مقاومت و کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی حذف کنند.

۳-۴. تهدید آفرینی

مهم‌ترین ویژگی دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه از دیدگاه کلان، ناتوانی آن‌ها در کنترل مرزهای ملی است؛ به گونه‌ای که گروه‌های تروریستی به راحتی وارد این کشورها شده یا از آن‌جا به سایر کشورهای منطقه نفوذ می‌کنند. ظرفیت تهدید آفرینی این دولت‌ها هم برای مردم خود و هم برای کشورهای دیگر بالا است. برای رهبران دولت‌های شکست‌خورده، مهم‌ترین نگرانی، تداوم رژیم خود است. بنابراین، بیش‌ترین تهدیدها توسط محیط داخلی، در شکل چالش‌ها علیه اقتدار حاکم شکل می‌گیرد (Reily, 2008: 7). با توجه به این ویژگی، شرایط دولت شکست‌خورده، زمینه را برای مداخله خارجی فراهم می‌کند. مداخله خارجی برای ارتقای امنیت در یک دولت شکست‌خورده حکم تیغ دو لبه‌ای را دارد که از نظر رابرت جکسون وضعیت این دولت‌ها را بدتر می‌کند. گسترش و پایداری تروریسم بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق و افغانستان دیدگاه جکسون را تایید می‌کند.

رایس وزیر خارجه آمریکا در دوران جورج بوش، معتقد بود دولت‌های شکست‌خورده تهدید اصلی برای آمریکا هستند، زیرا این دولت‌ها زمینه قدرت‌یابی و گسترش تروریست‌ها را فراهم می‌کنند. چنین دولت‌هایی بیش از سایر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تهدیدزا هستند. تهدیدهای این دولت‌ها شامل طیفی از تروریسم، گسترش جنایت بین‌المللی، گسترش تسلیحات، بی‌ثباتی منطقه‌ای و گسترش بیماری‌های واگیردار می‌شود. بر طبق گزارش گروه کار آژانس آمریکا در زمینه جرایم بین‌المللی، دولت‌های شکست‌خورده مکان‌هایی مناسب برای مجرمین در جهت قاچاق اسلحه، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و سطوح بالای فساد هستند (Rice, 2005:3).

جهت‌دهی خشونت در دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه علیه دولت است. جنگ‌ها در چنین دولت‌هایی اغلب ریشه‌های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی دارند. پیامد این خشونت نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و نابودی تمامیت ارضی است (Martin, 2012:10-11). ویژگی‌های دولت شکست‌خورده همانند یک سیکل عمل می‌کند که زنجیره‌ای از بحران‌های مستمر را به وجود می‌آورد. میزان بالای خشونت، بحران ناامنی و سپس بحران مشروعیت را پدید می‌آورد که این شرایط نیز خود موجب بحران اقتدار سیاسی و اقتدارگریزی می‌شود (Howard, 2014:65). برآورده نکردن مطالبات مردم سبب شکل‌گیری گروه‌های خشونت‌طلب و گرایش مردم به آن‌ها می‌شود. گروه‌های تروریستی عراق و سوریه حاصل چنین فرآیندی هستند. نتیجه این وضعیت، افزایش نقش خرده‌گروه‌های تروریستی در تحولات خاورمیانه است. داعش نماد عینی این نقش‌آفرینی بود.

اغلب کشورهای خاورمیانه به ویژه عراق و سوریه چالش‌های مشترکی مانند گروه‌ها و قومیت‌های ناراضی، شکاف‌های مذهب و دولت‌های اقتدارگرا دارند. عدم وجود ساختار دموکراتیک دولت‌های منطقه، اغلب این بحران‌ها را به سود گروهی خاص و به ضرر گروه دیگری حل کرده است. در نتیجه، زمینه شکل‌گیری خرده‌گروه‌هایی برای مطالبه‌گری جماعت ناراضی پدید آمده است. این گروه‌ها راه حل این مشکلات را در توسل به خشونت می‌دانند. به ویژه این که ایدئولوژی سلفی تکفیری نیز همین راه حل را توصیه می‌کند. ناتوانی در حل این مسائل به شیوه مسالمت‌آمیز، وضعیت دولت شکست‌خورده را پدید می‌آورد (Polat, 2016:2). با توجه به ویژگی‌های مشترک در دیگر کشورهای این منطقه، احتمال تسری این گروه‌های خشونت‌طلب به دیگر کشورها وجود دارد. از این رو، خاورمیانه خطر دولت‌های شکست‌خورده بیش‌تری را تجربه و از دولت شکست‌خورده به منطقه شکست‌خورده سیر خواهد کرد (Kinsman, 2016:2). بنابراین، این وضعیت محیط مناسبی برای گسترش

جنگ‌های جدید است. حتی شاخص دولت‌های شکست‌خورده نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند. بر اساس درجه‌بندی ۱۰ تا ۱۲۰ که بنیاد صلح در ۲۰۱۵ برای طیف دولت‌های قوی تا شکست‌خورده ارائه داده است، کشورهای خاورمیانه بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ در بدترین وضعیت قرار گرفته‌اند (Fund for Peace, 2015:42).

۴-۴. رشد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه

بر اساس شاخص جهانی تروریسم در ۲۰۱۶، برخی کشورهای منطقه خاورمیانه بالاترین نمره اقدامات تروریستی در جهان را دارند. سوریه و عراق در این شاخص جایگاه اول و دوم را دارند. یمن نیز در جایگاه هفتم و لبنان در جایگاه بیست و یک است. این انطباق بین رشد تروریسم و قرار گرفتن در وضعیت دولت شکست‌خورده، در رتبه ۱۰۰ تا ۱۲۰ که در بالا گفته شد، مشاهده می‌شود. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ بیش‌ترین تجمع اقدامات تروریستی در جهان در خاورمیانه بوده است.



نقشه ۱: تروریسم جهانی ۲۰۰۲-۲۰۱۶

Source: <https://ourworldindata.org/terrorism>

ویژگی برجسته‌ای که در تروریسم این منطقه وجود دارد و از نظر ایدئولوژیکی آن را با جنگ‌های جدید هم‌سو می‌کند، جنبه مذهبی و هویتی آن است. در سال ۲۰۱۵ خاورمیانه بالاترین میزان تلفات اقدامات تروریستی در جهان را داشت که با توجه به گسترش جنگ‌های جدید، این تلفات در سال‌های بعدی نیز احتمالاً رشد زیادی خواهد داشت. شاخص تروریسم جهانی نیز گویای این ادعا است که در جدول زیر نشان داده شده است.

کشور	کل حملات	مجموع کشته‌ها	مجموع مجروحان	میانگین تعداد کشته‌ها در هر حمله	
پاکستان	۱۴۰۴	۱۸۴۸	۳۶۴۳	۱,۳۲	۲,۵۹
عراق	۱۲۷۱	۲۴۳۶	۶۶۴۱	۱,۹۲	۵,۲۳
افغانستان	۱۰۲۳	۲۶۳۲	۳۷۱۵	۲,۵۷	۳,۶۳
هند	۵۵۷	۲۳۱	۵۵۹	۰,۴۱	۱,۰۰
نیجریه	۵۴۶	۱۳۸۶	۱۰۱۹	۲,۵۴	۱,۸۷
تایلند	۲۲۲	۱۷۴	۸۹۷	۰,۷۸	۴,۰۴
یمن	۲۰۳	۳۶۵	۴۲۷	۱,۸۰	۲,۱۰
سومالی	۱۸۵	۳۲۳	۳۹۷	۱,۷۵	۲,۱۵
فیلیپین	۱۴۱	۱۰۹	۲۷۰	۰,۷۷	۱,۹۱
سوریه	۱۳۳	۶۵۷	۱۷۸۷	۴,۹۴	۱۳,۴۴

Source: Country Report on Terrorism, 2015:315

میانگین رشد خرده‌گروه‌هایی که اقدامات تروریستی را ابزار اصلی خود برای حصول به اهدافشان در این منطقه پیشه کرده‌اند، از سال ۲۰۱۰ رشد چشم‌گیری داشته است. تنها در بحران سوریه بیش از ۴۰ گروه تروریستی فعال با شاخه‌های گوناگون در صحنه نبرد حاضر شدند که طیفی از گرایش‌های سکولار و سلفی داشته‌اند (ISW, 2016: 5).

۴-۵. ناکارآمدی اقتصادی

ناکارآمدی اقتصادی یکی از ویژگی‌های دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه است که خطر شبکه‌های تروریستی، افزایش منازعات مسلحانه داخلی و شروع و گسترش یک بیماری واگیر در آن‌ها وجود دارد. دولت‌های شکست‌خورده خاورمیانه بالاترین میزان نرخ بیکاری و فقر را نسبت به سایر کشورهای منطقه دارند. به عنوان نمونه، این شاخص در سه کشور سوریه، عراق و یمن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: بالاترین نمره در فقر، بیکاری و اقدامات تروریستی در خاورمیانه

رتبه	کشور	نمره در اقدامات تروریستی	درصد نرخ بیکاری	درصد نرخ تورم	درصد جمعیت زیر خط فقر
۱	سوریه	۱۰	۵۰	۲۵,۵	۸۲,۵
۲	عراق	۱۰	۱۶	۸	۳۰
۳	یمن	۷,۳۱	۳۵	۱۲	۵۰

(Source: (Global Terrorism Index, 2016:10

اهمیت ناکارآمدی اقتصادی در این دولت‌ها از آن روست که آن‌ها بالاترین نمره را از نظر ارسال مهاجر به خارج و به ویژه کشورهای همسایه دارند. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۵ دو کشور عراق و سوریه در آسیا بیش‌ترین ارسال مهاجر یا پناهنده را به کشورهای بایات به ویژه کشورهای همسایه خود داشتند (World migration Report, 2015:63). اقتصاد در این کشورها، در گروه ممتاز که قدرت سیاسی را نیز در دست دارند متمرکز شده است. در واقع بحران توزیع، پیامد دیگر ناکارآمدی اقتصادی دولت شکست‌خورده است.

۴-۶. افزایش مداخلات نظامی در منطقه

دولت شکست‌خورده در خاورمیانه، به دو صورت زمینه‌ساز مداخله قدرت‌های خارجی شده است. از یک سو، این قدرت‌ها با اظهار این‌که این وضعیت تهدیدی برای آن‌هاست، اقدام به مداخله نظامی می‌کنند و از سوی دیگر، چنان‌که جکسون اظهار داشت، حمایت از حقوق بشر و مداخله بشر دوستانه دستاویزی برای این مداخلات می‌شود. این موضوع در سیاست خارجی ایالات متحده با شعار «کمک به دیگران برای کمک به خود» مطرح است؛ به گونه‌ای که خود به تشدید و تقویت تروریسم در منطقه منجر شده است. برژینسکی نیز بر گسترش چنین جنگ‌هایی صحنه می‌گذارد (برژینسکی، ۱۳۸۶:۵۲). ایالات متحده و متحدین منطقه‌ای‌اش، با همین شعار، سوریه را درگیر چنین جنگ‌هایی کرده‌اند و حمایت از تروریست‌ها را ابزاری برای سرنگونی بشار اسد قرار داده‌اند.

خیزش‌های عربی از ۲۰۱۰ و به ویژه تحولات لیبی، که ناتو دولت اوباما را وادار به هم‌سویی با خود برای مداخله نظامی در لیبی کرد، و همچنین سکوت روسیه، این دستاورد را برای کشورهای غربی و حامیان منطقه‌ای‌شان به ارمان آورد که با حمایت خارجی می‌توانند سمت و سوی این تحولات را در راستای منافع خود به دست گیرند؛ به گونه‌ای که این مدل در عراق و سوریه اجرا

شد و حتی قصد گسترش آن به دیگر کشورهای منطقه را هم داشت (Linch, 2016:27). از این رو، این تحولات را جنگ نیابتی ارزیابی کردند.

مؤسسه امنیت نوین آمریکا به این ظرفیت‌های خاورمیانه برای تأمین منافع آمریکا، در گزارش ۲۰۱۳ خود، توجه ویژه‌ای کرده است تا تحولی در آینده مداخلات نظامی ایالات متحده را مطرح کند. لوجان^۸ در مقاله‌ای با عنوان آینده مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا، رویکرد جدید جنگ نیابتی یا مداخله نظامی، مقیاس کوچک و محدودی را برای دکترین نظامی آمریکا پیشنهاد داد که در واقع متأثر از پیامدهای مداخله آمریکا در افغانستان و عراق بود. لوجان استفاده از ظرفیت‌های هر منطقه برای توسل به این جنگ‌ها را مناسب دانسته و از آن با عنوان کمک به دیگران برای کمک به خود یاد می‌کند. آمریکا اولین کشوری است که در صدد استفاده از این نوع جنگ‌هاست و احتمالاً خاورمیانه با توجه به چالش‌هایی که دارد، محیط خوبی برای بررسی این جنگ‌ها در آینده است (Lujan, 2013:21). وضعیت سوریه و عراق گویای این سیاست است.

بسیاری از مشکلات ناشی از دولت‌های شکست‌خورده، زمینه این مداخلات را فراهم کرده است. در این میان، جنگ با تروریسم به ویژه از سال ۲۰۰۱ به بعد برجسته‌تر بوده است. ایالات متحده نقش اول را در تمام مداخلات خارجی در خاورمیانه به ویژه در عراق ایفا کرده است. این مداخلات همچون حمله نظامی، کمک‌های تسلیحاتی، احداث پایگاه‌های نظامی متعدد و فرسایشی کردن بحران‌های منطقه از طریق مداخله در آن‌ها و استفاده از تروریست‌ها در راستای منافع خود بروز یافته است (Gardner, 2012:1). اکنون همین راهبرد (ایجاد پایگاه نظامی و حمایت و تشکیل گروه‌های نظامی) در سوریه، پس از داعش از سوی دولت ترامپ دنبال می‌شود. بحران عفرین سوریه و مداخله نظامی ترکیه گویای این وضعیت است.

کنسرسیوم ملی مطالعه تروریسم و واکنش به تروریسم^۹، طی نموداری نشان داده است که سیاست‌های آمریکا و به ویژه جنگ علیه تروریسم، تروریسم را گسترش داده است. گزارش این مؤسسه نشان داده است که با دخالت‌های نظامی آمریکا در عراق، حملات تروریستی در این کشور هم بیش‌تر شد و هم گسترش یافت.

8 Luján

9 The National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START)



نمودار ۱: مداخله‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه و افزایش حملات تروریستی

Source: <http://www.globalresearch.ca/u-s-war-on-terror-has-increased-terrorism/5355073>

از این رو، وجود چنین دولت‌هایی که زمینه مداخله خارجی را تسهیل می‌کنند، سبب شد جنگ‌های جدید در منطقه شکل گیرد و تجلی آن داعش باشد.

اگر چه وضعیت عراق و سوریه فضای جغرافیایی لازم برای ظهور داعش به ویژه در شکل نظامی را فراهم کردند، اما اتحاد این دو کشور در حذف داعش را باید ناشی از نقش این دو کشور در محور مقاومت و پیامدهای داعش برای کل محور مقاومت و خاورمیانه دانست. محور غربی-عربی خواهان تداوم فعالیت داعش برای نابودی قدرت جبهه مقاومت و به ویژه حذف سوریه از طریق تغییر رژیم اسد از این محور بودند. از این رو، این جنگ جدید را با حمایت از گروه‌های تروریستی نیابتی کردند. ترکیه نیز تا ناامید شدن از راه حل غربی، همانند آمریکا خواهان حذف اسد و منع قدرتیابی مجدد علویان در سوریه بود (Kozak, 2017: 2-4). رژیم صهیونیستی نیز حامی گسترش فعالیت‌های داعش در لبنان و ایران بود. آموس یادلین^۱، ژنرال بازنشسته صهیونیست در ارتباط با حمایت‌های این رژیم از داعش، معتقد بود ایران، حزب‌الله و تروریست‌های سوری دشمن این رژیم هستند، اما این رژیم باید آن‌ها را در برابر همدیگر قرار داده تا امنیت خود را تامین کند (Khalek, 2015: 2). عراق و سوریه در وضعیت آشفته خود بدون حمایت و تلاش‌های ایران برای ائتلاف با روسیه جهت نابودی داعش، ظرفیت شکست این گروه را نداشتند. بدین‌رو، ایران عامل ائتلاف محور مقاومت با روسیه شد تا فرآیند نابودی داعش سرعت بیشتری بگیرد.

داعش در صورت غلبه بر سوریه و عراق، پیامدهای بدتری برای کل منطقه ایجاد می‌کرد. تحولات داعش دلیلی برای توجیه جدایی‌طلبی اقلیم کردستان عراق شده بود که عراق

واحد قادر به تضمین امنیت کردهای خود نیست. این پیامد می‌توانست موج جدایی‌طلبی و تجزیه را در منطقه شعله‌ور کند (طالبی آرانی، ۱۳۹۵: ۱۷). در واقع تهدید نابودی محور مقاومت به عنوان مرز سیاسی ایران و تلاش عناصر داعش و حامیان این گروه برای کشاندن محیط درگیری نظامی به جغرافیای سرزمینی ایران، سبب شد ایران تهدید داعش را فراتر از سایر گروه‌های تروریستی دانسته و برای نابودی آن، اتحاد بین کشورهای متضرر از داعش را عمیق‌تر کند (متقی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۴). کمک‌های مستشاری، نظامی و حتی ارسال نیرو به سوریه و عراق، تشکیل و حمایت از بسیج مردمی عراق و در نهایت ترغیب روسیه به هم‌سویی برای تقابل نظامی با داعش، باعث شد پایان عملیات بوکمال پایان حضور فیزیکی-نظامی داعش در عراق و سوریه باشد.

راهبرد ایران در فضای پس از داعش در ارتباط با سوریه، همچنان کاهش نقش محور غربی-عربی در تحولات آینده سوریه است. آمریکا با توجه به شکست داعش، به دنبال آن است که متحدین سوریه در سوریه همچنان درگیر بحران باشند. تحولات عفرین و حمله نظامی ترکیه، تلاش آمریکا برای ایجاد شکاف در میان حامیان اسد و سوریه است (Mcleary, 2017). از سوی دیگر، ایران همچنان فرآیند مذاکره صلح با حضور روسیه و ترکیه را که در دوران فعالیت داعش ایجاد شد، تداوم بخشیده است، تا حل بحران این کشور به دست محور غربی-عربی که حامی تداوم فعالیت داعش بودند، میسر نشود.

نتیجه‌گیری

وجود دولت شکست‌خورده ظاهراً زمینه‌ای مناسب برای گسترش جنگ‌های جدید با بازیگری گروه‌های تروریستی است. دولت شکست‌خورده ویژگی مشترک اغلب کشورهای خاورمیانه است. این دولت‌ها اغلب درگیر اختلافات مذهبی، قومیتی، ناکارآمدی سیاسی و بحران مشروعیت و ناکارآمدی اقتصادی بوده‌اند. از سوی دیگر، چون این دولت‌ها خود به عنوان یک تهدید برای دولت‌های قدرتمند دیگر ظاهر می‌شوند، با مداخله خارجی این قدرت‌ها در امور خود مواجه می‌شوند. عراق و سوریه به نوعی چنین وضعیتی را داشتند. بروز اقدامات تروریستی در یک کشور، احتمال گسترش آن به دیگر کشورهای منطقه که با پدیده دولت شکست‌خورده مواجه هستند را افزایش می‌دهد. از این رو، گروه داعش امروز محصور در عراق و سوریه نیست و احتمال گسترش آن در سایر نقاط خاورمیانه نیز وجود دارد. با توجه به ویژگی‌هایی که این گروه تروریستی دارد، از قبیل ارتش چندملیتی که محدود به کشورهای خاورمیانه نیست، استفاده از اشباع رسانه‌ای و به ویژه شبکه‌های اجتماعی جدید، اتکا به غارت منابع داخلی و استفاده از کمک‌های خارجی، آن را می‌توان در قالب بازیگر جنگ‌های جدید درک کرد.

ممکن است این طور تلقی شود که جنگ‌های جدید و تروریسم دو روی یک سکه هستند. اما باید گفت اگرچه این تشابه وجود دارد، اما استفاده از تروریسم برای جنگ در نوع خود جدید است. حمایت خارجی از داعش در عراق و سوریه گویای این واقعیت است. بدین رو، این نوع خشونت‌ها در قالب جنگ‌های جدید قابل بررسی هستند و در آینده نیز این جنگ‌ها به عنوان یک الگوی شایع مورد استفاده بازیگران به ویژه دولت‌ها برای دست‌یابی به منافع خود خواهد بود و خاورمیانه با توجه به وجود برخی دولت‌های شکست‌خورده، خود یکی از محیط‌های چنین جنگ‌هایی باقی خواهد ماند.

در زمینه تحولات خاورمیانه که منجر به بروز چنین جنگ‌هایی شد، باید خیزش لیبی را یک نقطه عطف اساسی تلقی کرد که نشان‌گر تحول خیزش‌های عربی از خیزش‌های داخلی صلح‌آمیز به جنگ‌های جدید بود و با خود دو نتیجه در پی داشت: نخست، تحولات لیبی به گروه‌های معاند در کشورهای منطقه نشان داد که می‌توانند با حمایت خارجی به جنگ پردازند. از سوی دیگر، بازیگران دولتی نیز به ظرفیت استفاده از خرده‌گروه‌ها برای اهداف خود پی بردند و به همین دلیل بود که سوریه را در حالی که با دولتی شکست‌خورده مواجه بود، درگیر این جنگ‌ها کردند تا محور مقاومت را به چالش بکشند؛ رویکردی که مطلوب

عربستان، آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی بود.

اگرچه با کمک‌های ایران و روسیه و هم‌سویی حزب‌الله، عراق و سوریه توانسته‌اند بخش بزرگی از تصرفات داعش را بازپس بگیرند، اما ریشه ظهور چنین گروه‌هایی چنان که بیان شد در شکست‌خورده بودن دولت‌های این کشورهاست. از این رو، این احتمال وجود دارد که دولت‌های شکست‌خورده این منطقه دوباره درگیر چنین خشونت‌هایی شوند که به سایر کشورهای این منطقه نیز با توجه به مشابه بودن مؤلفه‌های بحران‌زا تسری پیدا کند.

راهکار تقابل با شکست‌خوردگی دولت و در نتیجه جنگ‌های جدید در منطقه، توجه به فرآیند گذار به نظام‌های مردم‌سالار با اتکا به ظرفیت‌های بومی قومی-مذهبی این دولت‌هاست. تقویت سازوکارهای امنیت منطقه‌ای با حضور همه کشورهای منطقه، در کنترل این جنگ‌ها نیز می‌تواند مؤثر باشد. این نهادها امکان مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای در دولت‌های شکست‌خورده را کاهش می‌دهند و برای بحران‌های منطقه راه‌حلی از درون منطقه مطرح می‌کنند؛ زیرا که نفع همه اعضای منطقه در تداوم امنیت و جلوگیری از فعالیت‌های بازیگران خشونت‌طلب غیردولتی است.

منابع

الف) منابع فارسی

- برژینسکی، ژبینگیو. (۱۳۸۶). **انتخاب: سلطه یا رهبری**، ترجمه امیر حسین نورزوی، تهران: نشر نی.
- بیلیس، جان. (۱۳۸۵). **جهانی شدن سیاست**، جلد یک، برگردان توسط جمعی از نویسندگان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۸). **دولت‌های فرومانده: سوء استفاده از قدرت و یورش به دموکراسی**، ترجمه اکرم پدram نیا، تهران: افق.
- روزنا، جیمز. (۱۳۸۴). **آشوب در سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.
- طالبی آرانی، روح‌الله. (۱۳۹۵). **ظهور داعش و دگرگینی در رفتار کردها (سوریه و عراق)**، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۵۰-۱۲۷.
- کاظمی، حجت. (۱۳۹۵). **خیزش‌های هویتی، دولت‌های شکننده و بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۱۷۲-۱۴۶.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۹۴). **بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال ششم، شماره بیست و چهارم، صص ۳۱-۱.
- موسوی‌نیا، سید رضا. (۱۳۹۰). **خاورمیانه و چالش دولت‌های ورشکسته از دیدگاه امنیت بین‌الملل، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۸۳، صص ۳۹-۲۲.

ب) منابع انگلیسی

ARK Group. (2016). The Syrian Conflict: A systems conflict Analysis, available at: <http://cdacollaborative.org/wordpress/wp-content/uploads/2016/03/The-Syrian-conflict-A-systems-conflict-analysis.pdf>

Bell, Daniel. (1973). **The Coming of post-industrial society: A venture in social forecasting**, Basic Books.

Chulov, Martin. (2014). Isis Insurgents Seize Control of Iraqi City of Mosul, **The Guardian**, June 10, 2014, available at: <https://www.theguardian.com/world/2014/jun/10/iraq-sunni-insurgents-islamic-militants-seize-control-mosul>

Cook, David. (2005). **Understanding Jihad**, University of California Press.

Comford, Milo. (2015). Inside the Jahadi Mind, available at: <http://www.tonyblairfaithfoundationus.org/sites/default/files/Inside%20the%20Jihadi%20Mind.pdf>

Cordesman, Anthony. (2014). **Iraq in Crisis**, Center for Strategic International Studies.

Duffield, Mark. (2001). **Global Governance and the New Wars: the Merging of Development and Security**, Zed Books press.

Gardner, Zen. (2012). The Zionist Drive for Greater Israel, available at: http://www.bibliotecapleyades.net/sociopolitica/esp_sociopol_zion۹۲.htm

Gardner, David. (2015). The new war for the Middle east, available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/188090/60a73d4f769670cf72e8eae7d30826ab.pdf>

Global Policy Forum. (2015). Failed States, available at: <https://www.globalpolicy.org/nations-a-states/failed-states.html>

Howard, Tiffiany. (2014). **Failed States and the Origins of Violence**, Routledge.

Hoffman, Adam; Yoram, Schweitzer. (2015). Cyber Jihad in the Service of the Islamic State (ISIS), **Strategic Assessment**, Volume 18, No. ۱, Pp 71-81. Also see: France Seeks Silicon Valley Allies in War on Terror, **France 24**, February 21, 2015, available at: http://www.france۲۴.com/en/20150221-france-seeks-siliconvalley-allies-war-terror/?_aef_campaign_date=2015-02-21&aef_campaign_ref=partage_aef&dlvrit=66745&ns_campaign=reseaux_sociaux&ns_linkname=editorial&ns_mchannel=social&ns_source=twitter.

Jackson, Robert. (1993). **Quasi-States: Sovereignty, International**

Relations and the Third World, Cambridge Press.

Kaldor, M. (1999). **New and Old Wars**, Polity Press, Cambridge.

Kirdar, M. (2011). Al Qaeda in Iraq, **Amazonaws**, available at: https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/110614_Kirdar_AlQaedaIraq_Web.pdf

Kinsman, Jeremy. (2016). From Failed States to a Failed Region: The Middle East in Crisis, available at: <http://policymagazine.ca/pdf/18/PolicyMagazineMarchApril-2016-Kinsman.pdf>.

Khalek, Rania. (2015). Why has Israel embraced al-Qaida's branch in Syria?, available at: <https://electronicintifada.net/content/why-has-israel-embraced-al-qaidas-branch-syria/14619>.

Kozak, Christopher. (2017). Iran's Assad Regime, available at: <https://www.criticalthreats.org/wp-content/uploads/2017/03/Irans-Assad-Regime.pdf>.

Kuipers, Arie. (2009). The Root Causes of Terrorism in the Middle east, available at: <http://vanity.dss.ucdavis.edu/~maoz/International%20Politics%20of%20the%20Middle%20East/Fall%202010/Kuipers%20POL%20135%20Term%20Paper.pdf>

Lakic, Nikola. (2011). Is globalization a challenge or a threat to nation – states as a dominant form of polity?, available at: <http://www.isn.ethz.ch/Digital-Library/Publications/Detail/?lng=en&id=144462>.

Levallois, Agnes. (2017). The Financing of the Islamic State in Iraq and Syria, available at: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2017/603835/EXPO_IDA\(2017\)603835_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2017/603835/EXPO_IDA(2017)603835_EN.pdf)

Lewis, Jessica. (2014). Isis Global Massaging, available at: <http://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:9cBt0D7z2P8J:http://www.understandingwar.org/sites/default/files/GLOBAL%2520ROLLUP%2520Update>.

pdf%2BHijrah+in+isis+pdf&hl=en-IR&gbv=2&ct=clnk.

Lujan, Fernando. (2013). *The Future of American Military Intervention*, available at: http://www.cnas.org/files/documents/publications/CNAS_LightFootprint_VoicesFromTheField_Lujan.pdf.

Laqueur, Walter. (1999). **The New Terrorism: Fanaticism and the Arms of Mass Destruction**, London: Oxford University Press.

Linch, Marc. (2016). **The New Arab Wars: Uprisings and Anarchy in the Middle East**, PublicAffairs.

Martin, Bradley. (2012). *Weak and Failing States and National Security*, available at: http://www.academia.edu/1561945/What_are_failed_states_and_why_do_they_fail_Is_seizing_political_control_of_failed_states_a_viable_remedy_for_containing_threats_coming_from_failed_states.

McInnis, Kathleen. (2016). *Coalition Contributions to Countering the Islamic State*, available at: <https://fas.org/sgp/crs/natsec/R44135.pdf>

Mcleary, Paul, Dan De Luce. (2017). *No Plans to Withdraw U.S. Troops Even after ISIS Defeat*, available at: <http://foreignpolicy.com/2017/10/18/no-plans-to-withdraw-u-s-troops-even-after-isis-defeat/>

Menkhaus, ken. (2003). *Quasi-States, Nation-Building, and Terrorist Safe Havens*, available at: <https://journals.lib.unb.ca/index.php/jcs/article/view/216/374>

Naim, Moisés. (2013). **The End of Power: From Boardrooms to Battlefields and Churches to States**, Basic Books.

Nader, Alireza. (2016). *Regional implications of an independent Kurdistan*, available at: www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR1400/.../RAND_RR1452.pdf.

Olson, William. (1993). *The New World Disorder: Governability and Development*, in Max G. Manwaring, (ed.). **Gray Area Phenomena:**

Confronting New World Disorder, Boulder: Westview Press.

Patel, David. (2015). ISIS in Iraq: What We Get Wrong and why ۲۰۱۵ is not 2007redux, available at: https://www.brandeis.edu/crown/publications/meb/MEB_۸۷.pdf

Petre, Christine. (2015). The Jihadi Factory, **Foreign Policy**, March 20, 2015, available at: <http://foreignpolicy.com/2015/03/20/the-jihadi-factory-tunisia-isis-islamic-state-terrorism/>.

Pirog, Robert. (2015). Islamic State Financing and U.S. Policy Approaches, available at: <https://fas.org/sgp/crs/terror/R43980.pdf>.

Reily, David. (2008). The Two-Level Game of Failing States: Internal and External Sources of State Failure, available at: <http://journals.hil.unb.ca/index.Php/jcs/article/view/11244/13417>.

Rice, Condoleezza. (2005). The Promise of Democratic Peace: Why Promoting Freedom is the Only Realistic Path to Security, 11 December 2005, **Washington Post**, available at: http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2005/12/09/AR2005120901711_Technorati.html.

Price, Bryan. (2015). The Group That Calls Itself a State: Understanding the Evolution and Challenges of the Islamic State, available at: <https://ctc.usma.edu/wp-content/uploads/2014/12/CTC-The-Group-That-Calls-Itself-A-State-December20141.pdf>.

Rotberg. (2003). Failed States, Collapsed States, Weak States: Causes and Indicators, in **State Failure and State Weakness in a Time of Terror** (ed.). Robert I. Rotberg, Washington D.C.: Brookings Institution.

Rubin, Michael. (2016). Kurdish Rising: Considerations for Kurds, Their Neighbors, and the Region, available at: https://www.aei.org/wp-content/uploads/2016/06/Kurdistan-Rising_online1.pdf.

Yoo, John. (2011). Fixing Failed States, available at: <https://scholarship>.

law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubs.

ج) سایت‌ها

Global Peace Index shows rise in violence in Middle East. (2016).
<http://www.trtworld.com/life/global-peace-index-shows-rise-in-violence-in-middle-east-121748> (accessed on: 17/03/2017)

The Economist Report. (2015). Democracy in an age of anxiety,
<https://www.yabiladi.com/img/content/EIU-Democracy-Index-2015.pdf> (accessed on: 17/03/2017).

Fund for peace. (2015). Fragile states index 2015, <http://library.fundforpeace.org/library/cfsir1423-fragilestatesindex2015-06d.pdf> (accessed on: 15/03/2017))

U.S. War on Terror” Has increased Terrorism. (2013). <http://www.globalresearch.ca/u-s-war-on-terror-has-increased-terrorism/5355073> (accessed on: 17/03/2017)

Combating terrorism center. (2017). **The Group That Calls Itself a State: Understanding the Evolution and Challenges of the Islamic State**, <https://www.ctc.usma.edu/isil-resources> (accessed on: 17/03/2017)

Marmor, Jessica. (2015). The countries where ISIS finds support, in two charts, <http://www.marketwatch.com/story/the-countries-where-isis-finds-support-in-two-charts-2015-11-18> (accessed on: 17/03/2017).

Country Report on Terrorism. (2015). <https://www.state.gov/documents/organization/258249.pdf> (accessed on: 17/01/2018).

World Migration Report. (2015). Available at: http://publications.iom.int/system/files/wmr2015_en.pdf